

# ارتباط معنایی جهاد اقتصادی با دهه پیشرفت و عدالت مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری

نویسنده: حجت‌الله عبدالملکی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۲۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۱

## چکیده

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۰ را که سومین سال از دهه چهارم انقلاب (دهه پیشرفت و عدالت) است جهاد اقتصادی نامگذاری کردند. هدف این نوشتار، بررسی این سؤال است که چه ارتباطی میان دهه پیشرفت و عدالت و شعار جهاد اقتصادی وجود دارد. پاسخ به سؤال مزبور با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری در خصوص دهه پیشرفت و عدالت و جهاد اقتصادی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی است. سعی شده است این رابطه با توجه به مؤلفه‌های جهاد اقتصادی و الزامات تحقق پیشرفت و عدالت (الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت) بررسی شود.

**یافته‌های** این تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های جهاد اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با الزامات تحقق شعار دهه چهارم انقلاب اسلامی؛ یعنی پیشرفت و عدالت دارند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که جهاد اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین الزامات و نیازمندی‌های تحقق شعار دهه چهارم از منظر رهبر معظم انقلاب است. بر این اساس و با توجه به برخی از مؤلفه‌های جهاد اقتصادی، همچون استمرار و همه‌جانبگی آن، می‌توان تمامی سالهای دهه چهارم را سالهای جهاد اقتصادی نیز دانست. لذا در این سالها بایستی روحیه جهادی و تلاش جهادگونه به عنوان یکی از رویکردهای مسئولان و مردم باشد.

## واژگان کلیدی:

جهاد اقتصادی، عدالت، پیشرفت، دهه پیشرفت و عدالت.

۱. دکتری علوم اقتصادی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع).



## مقدمه

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۰ را که سومین سال از دهه چهارم انقلاب است جهاد اقتصادی نامگذاری کردند. دهه‌ای که ایشان شعار محوری پیشرفت و عدالت را به عنوان رویکرد و گفتمان اصلی کشور در این دهه انتخاب کردند تا در این دهه، تمامی نیروها و امکانات کشور، در راستای رسیدن به یک پیشرفت همه‌جانبه و فراگیر و یک عدالت گسترده، مجتمع و متمرکز شوند. ایشان سال اول دهه چهارم را به عنوان سال «اصلاح الگوی مصرف»، سال دوم را به نام سال «همت مضاعف و کار مضاعف» و سال سوم را به عنوان سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کردند. هر سه سال رویکرد اقتصادی در دهه پیشرفت و عدالت دارد و بیانگر این است که ایشان در دهه چهارم، مهم‌ترین و اصلی‌ترین حوزه و به تعبیر بهتر؛ حوزه دارای اولویت را حوزه اقتصادی در نظر گرفته‌اند.

در سال جهاد اقتصادی، حضور جهادگونه و داشتن روحیه جهادی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، وظیفه تمامی مسئولان و مردم است. لذا به نظر می‌رسد تبیین رابطه شعار جهاد اقتصادی و دهه پیشرفت و عدالت بتواند در راستای توضیح بخشی از اهمیت و ضرورت این نامگذاری و اصلاح رویکردها مؤثر باشد. بدین منظور، این مقاله در پی بررسی و تبیین رابطه جهاد اقتصادی و دهه پیشرفت و عدالت از منظر و نگاه رهبر معظم انقلاب است؛ چرا که بهترین منبع داده‌های مورد نیاز بررسی رابطه مذکور، تبیین نقطه نظرات ایشان است؛ زیرا هر دو رویکرد و شعار از سوی ایشان تعیین و ابلاغ شده است.

با توجه به اینکه سال جهاد اقتصادی یکی از سالهای دهه پیشرفت و عدالت است و نیز با توجه به اینکه سیاستگذاری‌ها و اتخاذ رویکردهای کلان از سوی مقام معظم رهبری همیشه با نوعی تناسب و هماهنگی صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد بتوان این فرضیه را مطرح کرد که جهاد اقتصادی یکی از نیازمندی‌ها، مقدمات و الزامات دهه پیشرفت و عدالت است.

برای آزمون این فرضیه در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری استفاده شده است. روش کار به این صورت است که با شیوه گفته شده، ابتدا مؤلفه‌ها و ابعاد جهاد اقتصادی مشخص شده و در گام بعدی، الزامات تحقق دهه پیشرفت و عدالت در سه دسته الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت استخراج خواهند شد. در گام بعدی، به رابطه مؤلفه‌های جهاد اقتصادی و الزامات شعار دهه چهارم پرداخته، الگوی مفهومی آن ترسیم خواهد شد.



ترتیب مطالب ارائه شده در مقاله به این صورت است که ابتدا مفاهیم واژگان توسعه، پیشرفت، عدالت، جهاد، روحیه جهادی و جهاد اقتصادی ارائه شده‌اند. در ادامه، مختصری در خصوص روش‌شناسی مقاله؛ یعنی تحلیل محتوا و مراحل آن توضیح داده شده و سپس، ابعاد و مؤلفه‌های جهاد اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب ارائه شده است. مفهوم، ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات دهه پیشرفت و عدالت از منظر ایشان مطلب بعدی است و در نهایت، با ارائه الگوی مفهومی، رابطه جهاد اقتصادی و دهه پیشرفت و عدالت از نگاه مقام معظم رهبری نشان داده شده است.

## مفاهیم واژگان و اصطلاحات

### توسعه

توسعه در معنای لغوی، معادل Development<sup>۱</sup> و در مقابل واژه Envelopment قرار دارد که به معنای پوشش و لفاف است. پس توسعه یافتن به معنای خروج از پوشش و لفاف است (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۶۵). لذا معنای لغوی توسعه عبارت است از: رشد، ترقی، تکامل، رشد تدریجی. اما از لحاظ اصطلاحی با توجه به دیدگاههای مختلف، تعاریف متفاوتی از این واژه ارائه شده است (جهانین، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰). نوسازی، مدرنیته، غربی‌سازی، فرایند حرکت از وضع موجود و به وضع مطلوب برخی از مفاهیمی هستند که در تعریف اصطلاحی توسعه بیان شده‌اند.

**جرالد می‌یر**<sup>۲</sup> توسعه را رشد اقتصادی توأم با تحولات تعریف می‌کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه منوط می‌کند: نخست، ارزشها و نهادها و دوم، تغییرات فنی. (می‌یر، ۱۹۹۵)

**ویلیامسون**<sup>۳</sup> فرایند توسعه را در سطح اول، وقوع توسعه به ایجاد تغییرات بنیانی در ارزشها منوط می‌داند... مرحله بعدی این فرایند، مقطعی است که قوانین اقتصادی، کارکردی نزدیک به قواعد و قوانین مکانیکی می‌یابند. به عبارت دیگر؛ تبیین، تحلیل و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی در چارچوب الگوهای نئوکلاسیک و صورت‌بندی‌های رایج قابل انجام است (ویلیامسون، ۲۰۰۰، ص ۵۹۷). **آمارتیا سن**<sup>۴</sup> توسعه را عبارت از افزایش توانمندی‌ها<sup>۵</sup> و بهبود استحقاقها<sup>۶</sup> می‌داند. (آمارتیا سن، ۱۹۸۳)

۱. واژه Development در حدود سال ۱۷۵۰ با اشاره به روندهای تغییر و پیشرفت در هر شکلی از فعالیت انسانها، سازمانها و نهادها وارد زبان انگلیسی شده است. در برخی کتابهای فرهنگ لغات، با این توضیح که این واژه از لفظ لاتین de و volute به معنای آشکار ساختن، گرفته شده است، Development را آشکار کردن تدریجی معنا کرده‌اند. (IDRC)

2. Gerald Meier
3. Oliver E. Williamson
4. Amartya Sen
5. Capability
6. Entitlements



توسعه در نگرشی ساده، در همه جوامع به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه هدف یا شرط را محقق کند: اولین هدف، امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش حیات انسان است؛ مانند غذا، مسکن و پوشاک. دومین هدف، افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسانها از مواهب مادی است. سومین هدف که غایتی کاملاً کیفی است، عبارت است از گسترش دامنه گزینندها و انتخابهای افراد و ملل در زندگی؛ ارتقای ظهور قابلیت‌های افراد، برابری در مقابل قانون و برابری فرصتها. (متوسلی، ۱۳۸۲، ص ۱۴)

از دیدگاه نظریه نوسازی،<sup>۱</sup> فرایند توسعه عبارت است از نبردی بر ضد سنت گرای، ساختهای فتودالی و ادیان آخرت‌گرا. از نظر برخی دیگر، توسعه فرایندی اجتماعی است مبتنی بر عقلانیت عمل که در آن، جامعه از وضعیت غیر عقلانی نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می‌کند (جهانپان، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱). چنین تعریفی هر چند می‌تواند جامع انواع افراد توسعه باشد، اما با توجه به این مطلب که توسعه مفهومی ارزشی است و با جهان‌بینی‌ها و نگرشهای جامعه نسبت به عالم و آدم و دنیا و آخرت ارتباط مستقیم دارد. بنابر این، به نظر می‌رسد واژه «توسعه» از قبیل مشترکات لفظی است که وجوهی از اشتراک را هم در بر دارد. علاوه بر آن، توجه به تعریف مزبور و امثال آن، نشان می‌دهد که توسعه از مقولات ارزشی است؛ برای مثال، کلمه «عقلانیت»، «وضعیت عقلانی نامطلوب» و «وضعیت عقلانی مطلوب» که در تعریف توسعه آمده، مفاهیمی ارزشی و اعتباری‌اند که بستگی به عقاید و خلیقات یک جامعه دارند. برخی از اندیشمندان تصریح کرده‌اند که «هیچ اتفاق نظری در محافل علمی اروپایی و آمریکایی وجود ندارد که آیا مراد، رشد فنی است یا رشد معنوی یا رشد بیولوژیکی یا رشد سیاسی یا ترکیبی از اینها (رفیع‌پور، ۱۳۷۷). برخی دیگر در تعریف توسعه اقتصادی گفته‌اند: «توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن، مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول می‌شود. (عظیمی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۸)

مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم توسعه می‌فرمایند: «امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است... وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته؛ یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه یافته است. در حال توسعه؛ یعنی کشوری که در حال غربی شدن است. توسعه نیافته؛ یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع؛ در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است!» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷)



## پیشرفت

معنای لغوی پیشرفت یا رشد<sup>۱</sup> جلوتر رفتن، ترقی و ارتقا است. معنای اصطلاحی پیشرفت نیز عبارت است از تکامل مبتنی بر شرایط و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی خاص هر جامعه.

با مروری به عقاید اقتصادی دانشمندان سابق اقتصاد از جمله: اسمیت، شومپتر، روزنشتاین - رودن، نورکس، لیبن اشتاین، میردال، لوئیس و روستو در مورد توسعه و نیز با بررسی الگوهای ساختارگرا، نئومارکسیسم و همچنین نظریه وابستگی، نووابستگی، نئوکلاسیکی و نهادگرایی و نیز دیدگاه تحلیل تاریخی نورث، دیدگاه زیاده‌طلبی (رانت) یا مکتب‌گزینش عمومی، دیدگاه‌گزینش جمعی و در نهایت، توسعه انسانی، این نتیجه حاصل می‌شود که با وجود سابقه چند صدساله برای واژه رشد در ادبیات اقتصادی، پیشینه مفهوم توسعه به طور عمده به بعد از جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. ضرورت بازسازی و ایجاد رفاه در کشورهای درگیر جنگ از یک سو و نوسازی و پیشرفت در کشورهای رها شده از استعمار از سوی دیگر، در خلق و ترویج این مفهوم مؤثر بوده است. (میر، ۱۹۴۸)

## عدالت

«عدالت دغدغه همیشگی و تاریخی بشر بوده. به تبع احساس نیاز به عدالت که در طول تاریخ تا امروز در مردم عمومیت داشته، متفکران بشر، فیلسوفان و حکما در این مقوله وارد شدند و دغدغه آنها بوده است. بنابر این، از قدیم‌ترین دورانهای تاریخ تا امروز درباره عدالت و عدالت اجتماعی به همین معنای عام، بحث شده، نظریه داده شده است.» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۲/۲۷)

«عدالت واژه‌ای است اجتماعی و برای توصیف حکومت یا نظام اجتماعی - فرهنگی می‌بایست استعمال شود؛ هر چند در نگرش اسلامی، حکومت عدل بدون رهبر و فرد عادل تحقق نمی‌یابد. اما به هر حال، سعادت فرد یا افراد بشر در این نیست که عادل باشند، بلکه آنها می‌بایست کامل باشند و به مقام قرب و جانشینی خداوند برسند، و عدالت فردی برای انسان کم است. حتی در سطح فردی، جود و احسان از عدل بهتر و بافضیلت‌تر است و علمای اخلاق بر این نکته تأکید می‌کنند. در مقابل، در سطح اجتماعی، عدل برتر از جود و احسان است.» (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۷-۱۵)

**عدالت در آیات قرآن:** واژه عدل و مشتقات آن و نیز مفاهیم نزدیک به آن همانند قسط، در مجموع ۲۹ بار در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۴۴۸)؛



از جمله در آیات ذیل:

- «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، آیه ۲۵)؛ به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرو فرستادیم تا مردم به اقامه قسط و عدل برخیزند.
- «ان الله یأمر بالعدل و الإحسان» (نحل آیه ۹۰)؛ به راستی که خداوند دستور می‌دهد که به عدل و احسان رفتار کنید.
- «فاحکم بینهم بالقسط، إن الله یحب المقسطین» (مائد، آیه ۴۲)؛ در میان آنان به قسط حکم کن، به راستی که خداوند کسانی را که به قسط رفتار می‌کنند دوست دارد.
- «... و أمرت لأعدل بینکم» (شوری، آیه ۱۵)؛ به من دستور داده شده که میان شما به عدل رفتار کنم.

**عدالت در روایات:** پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص)، عدل سلطان و پایین بودن قیمتها را علامتی برای رضایت خداوند از مردم و بر عکس آن، جور سلطان و بالا بودن قیمتها را نشانه غضب خداوند از آنان می‌دانند. (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۵۸، روایت ۷۰۰)

حضرت علی(ع) عدالت را مایه حیات و زندگی جامعه (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۴)، اساس حکومت (حکیمی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۳۰) و عامل سامان‌یابی مردم (همان، ص ۴۰۰) می‌دانند. ایشان عدالت را مهم‌ترین عامل رفاه جامعه دانسته، عدم اجرای آن را مساوی با ستمکاری و بیدادگری می‌شمرند و نتیجه آن را جنگ و آشوب و خونریزی بیان می‌کنند.<sup>۵</sup> (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶، ص ۷۴۲)

آن حضرت، عدالت را قانونی عام تعریف کرده‌اند که شامل همه اجتماع می‌شود و مانند بزرگرایی دانسته‌اند که همه باید از آن عبور کنند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱). آن حضرت دوام حکومتها را به اقامه عدل و اجتناب از ظلم و معیار حکمرانی صحیح را اجرای عدالت دانسته‌اند (آمدی، بی‌تا، ص ۱۵۷) و در مقابل، ظلم را عامل تفرقه در جامعه برشمرده و فرموده‌اند: عدل باعث الفت و ظلم باعث جدایی می‌شود (همان، ص ۵۰).

۱. «علامه رضی الله فی خلقه: عدل سلطانهم و رخص اسعارهم و علامه غضب الله عن خلقه: جور سلطانهم و غلاء اسعارهم».
۲. «العدل حیاه».
۳. «العدل نظام الأمره».
۴. «الرعیه لا یصلحها الا العدل».
۵. «إستعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فإن العسف یعود بالجلاء و الحیف یدعو الی السیف».
۶. «ثبات الدوله باقامه سنن العدل».
۷. «ملاک السیاسه العدل».
۸. «العدل مألوف و الجور معسوف».



ایشان رعایت عدالت را عامل جذب قلبها به سوی مسئولان شناخته، آن را ضامن استحکام ارکان دولت معرفی کرده‌اند. همچنین بهترین روشنی چشم برای حاکمان را گسترش عدل و داد معرفی کرده‌اند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). آن حضرت در مقام اداره جامعه، عدل را برتر از جود و بخشش می‌دانند؛ چرا که «عدل، امور را در جای خود می‌نهد؛ اما جود، امور را از جهت اصلی خارج می‌کند».<sup>۱</sup> (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۹)

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «خداوند هیچ گونه مالی را رها نگذاشته، بلکه آن را قسمت کرده است و حق هر صاحب حقی را داده است. خواص و عوام و فقیران و بینوایان و همه قشرهای مردم... اگر میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند».<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۲، ص ۵۶۸)

امام موسی کاظم (ع) به همین سیاق فرموده‌اند: «اگر میان مردم به عدالت رفتار شود، بی‌نیاز می‌شوند».<sup>۳</sup> (مجلسی، ۱۳۶۱، ص ۲۵)

«عدالت، به حسب ظاهر، مفهوم ساده‌ای است و همه می‌گویند و آن را تکرار می‌کنند؛ منتها در مصداق و در عمل، رسیدن به عدالت خیلی دشوار است؛ همان نکته‌ای که امیرالمؤمنین در باره حق فرموده است: الحق اوسع الاشیاء فی التواصف و اضیقها فی التناصف، در مورد عدل هم عیناً همین‌طور است؛ چون عدل هم حق است و اصلاً از هم جدا نیستند. به یک معنا، حق همان عدل است؛ عدل همان حق است؛ تواصفش آسان است، اما در عمل، رسیدن به عدالت مشکل است؛ حتی شناختن موارد عدالت و مصادیق عدالت هم گاهی خیلی مشکل است؛ کجا عدالت است، کجا بی‌عدالتی است».<sup>۴</sup> (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

شهید مطهری یکی دیگر از معانی عدالت را تساوی و نفی تبعیض ذکر می‌کند و می‌گوید: «گاهی می‌گویند فلانی عادل است؛ منظور این است که هیچ گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شود؛ از این نظر، عدالت به معنای مساوات می‌باشد. اما این تعریف نیازمند توضیح است؛ اگر مقصود این باشد که عدالت ایجاب می‌کند که هیچ گونه استحقاق رعایت نشود و به همه چیز و همه کس به یک چشم نگریسته شود، این عدالت عین ظلم است. اگر اعطاء بالسویه عدل باشد، منع بالسویه هم عدل خواهد بود. جمله عامیانه **ظلم بالسویه عدل است**، از چنین نظری پیدا شده است؛ و اما اگر مقصود این باشد که عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاقهای متساوی، البته معنی درستی است. عدل چنین مساواتی را ایجاب می‌کند و این چنین مساوات از لوازم عدل است؛ ولی در این صورت بازگشت این معنی به معنی دیگر عدل است؛

۱. «إن أفضل قرّة أعین الولاية إستقامة العدل فی البلاد».

۲. «العدل یضع الامور فی موضعه و الجود یرج من موضعه».

۳. «إن الله لم یرک من صنوف الاموال الا و قد قسمه و أعطى کل ذی حق حقه ، الخاصة و العامة و الفقراء و المساکین و کل صنف من صنوف الناس ... لو عدل فی الناس لاستغنوا».

۴. «لو عدل فی الناس لاستغنوا».





یعنی رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را. بنابر این، ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تصرف در حقوق دیگران» (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۵۹ به بعد) شهید مطهری معنای دیگر عدالت را موزون بودن می‌داند و می‌افزاید: «اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزا و ابعاد مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی از آن مورد نظر است، باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بر جا بگذارد و نقش منظور شده را ایفا کند» (همان، ص ۵۸-۵۴). استاد مطهری اشاره می‌کند که حتی اگر معنای عدالت توازن باشد، باز از معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱) بیرون نیست. چرا؟ توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد رعایت بشود، حق اجتماع هم رعایت بشود. (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۲۹)

در مجموع، شهید مطهری چهار معنا برای عدل بیان می‌کنند که عبارتند از:  
(الف) موزون بودن: که نقطه مقابل ظلم نیست، بلکه در مقابل بی‌تناسبی است؛  
(ب) تساوی و نفی هر گونه تبعیض؛  
(ج) رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق خودش را؛  
(د) رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان یا کمال وجود دارد.

از میان معانی مذکور، چنانچه معنای سوم؛ یعنی اعطای حقوق هر ذی‌حق، مبنای اجرای عدالت قرار گیرد، این مسئله مستلزم شناسایی درست حقوق و صاحبان آنها و در نهایت، واگذاری حقوق هر یک از صاحبان حق است. بنابر این، تحقق عدالت اقتصادی مستلزم شناخت حقوق اقتصادی و صاحبان این حقوق و بررسی نحوه و شرایط واگذاری این حقوق به صاحبان آن است.

## جهاد و جهاد اقتصادی

کلمه جهاد که از ریشه «جهد» است، به معنای تلاش و کوشش فراوان و طاقت‌فرساست. جهاد فی سبیل الله در کنار سایر فروع، از جمله: نماز، زکات، خمس و ... به عنوان یکی از واجبات دین اسلام است. واژه جهاد؛ یعنی به کارگیری تمام وسع، توان و طاقت خود، هنگامی معنی دار می‌شود که در مقابله با دشمن قرار بگیرد و با وجود میل او و به عنوان نوعی پاسخگویی سلبی در برابر خواست دشمن عمل شود. این مفهوم بر خلاف مفاهیمی مانند هجرت و تقوا که به نوعی احتراز و دوری از درگیر شدن هستند، به مقابله و مواجهه با دشمن می‌پردازد و به همین دلیل، جهاد در مواجهه و با حضور دشمن معنا می‌شود.





جهاد اقتصادی از دو کلمه جهاد و اقتصادی تشکیل شده است؛ لذا علاوه بر اینکه دارای مفهوم جهاد و تمامی ابعاد آن است، به نحوی در حوزه مسائل اقتصادی تخصیص خورده است. به عبارت دیگر؛ مفهوم جهاد اقتصادی عبارت است از: جهاد با تمام ابعاد و مؤلفه‌های مربوط در عرصه اقتصادی.

### اهداف میانی و نهایی خلقت از نگاه اسلام

از نظر آموزه‌های اسلامی هدف نهایی خلقت، تقرب و کمال مطلق و تربیت انسان کامل است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «خلق نکردم جن و انس را مگر برای بندگی» (الذاریات، آیه ۵۶) که حقیقت آن، بریدن از خود و دیگران در جهت گرایش تام به معبود و ذکر اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۸۸). در راستای این هدف نهایی، اهداف دیگری به صورت پیش‌نیاز و تحت عنوان اهداف میانی مطرح است که یکی از مهم‌ترین آنها از نظر اسلام، تحقق عدالت در بُعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است؛ چنانکه در قرآن کریم، هدف از فرستادن پیامبران و کتب آسمانی را برپایی عدالت و قسط در جامعه می‌داند. (حدید، آیه ۲۴)

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، نجات خودش است. ما باید خودمان را نجات دهیم. نجات ما به این است که به وظایفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظایف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه با ظلم، مبارزه با فساد، اینها همه جزء مقدمات همان نجات است. بنابر این، اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد». (مقام معظم رهبری، ۸۹/۹/۱۰)

«هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پایین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند» (همو، ۹۰/۴/۱۳). ذکر این نکته لازم است که «پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است». (همو، ۸۶/۲/۲۵)

۱. از امام صادق (ع) در توضیح آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، آیه ۵۶) نقل شده است (به نقل از امام حسین (ع)): «لَنْ يَكُنَّ عِبَادَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ وَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ». (تفسیر صافی، ج ۵، ص ۷۵)



## تحلیل محتوا (روش‌شناسی مقاله)

این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جهاد اقتصادی و دهه پیشرفت و عدالت می‌پردازد تا بدین وسیله، ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات تحقق آنها را استخراج و در نهایت، رابطه این دو را تبیین کند.

**تاریخچه تحلیل محتوا:** به نظر می‌رسد استفاده تاریخی تحلیل محتوا در بعد علمی آن را می‌توان به بهره‌گیری از تحلیل محتوا در شناخت کلمات، لغات و اصطلاحات کتابهای مقدّس، مثل تورات، انجیل، قرآن نسبت داد. با توجه به عمق معانی در کتابهای مقدّس، مفسران به تحلیل محتوای لغات و مفاهیم آن می‌پرداختند. از سوی دیگر، برای تفکیک عبارتی که به متون مقدّس نسبت داده شده بود، به واسطه تحلیل محتوا مورد شناسایی قرار می‌گرفت. (ساروخانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۰۰)

**تعریف تحلیل محتوا:** تحلیل محتوا، روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن (رایف و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۳). همچنین، تحلیل محتوا عبارت است از: فنی که به وسیله آن مشخصات خاص پیام به طور روشمند و دقیق برای استنباط علمی شناسایی می‌شوند. دقت و عینیت امر، متضمن آن است که تحلیل، مبتنی بر قواعد مشخصی باشد تا به دانش پژوهان امکان دهد از پژوهشهای مختلف به نتایج یکسان مورد نظر دست یابند (طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۹۶-۹۵). واحدها و طبقات مختلف تحلیل محتوا عبارتند از: کلمه (کوچک‌ترین واحد تحلیل محتوا)، موضوع‌ها (جمله ساده)، شخصیتها یا اسامی، بندها و مقولات یا موارد (همان، ۱۳۸۱، ص ۹۷). محورهای مناسب برای تحلیل محتوا نیز عبارتند از: گزارشهای بایگانی شده، اسناد و مدارک، نامه‌ها، خاطرات، مقالات روزنامه‌ها، یادداشت‌های جلسات زنده، فیلمها، برنامه‌های همایش رادیو و تلویزیون.

**کاربردهای تحلیل محتوا:** معمول‌ترین استفاده از تحلیل محتوایی، توصیف خصوصیات پیام است. این روش کمک می‌کند تا اهداف فرستنده پیام، دلایل ارسال پیام، شناخت اثر پیام بر روی مخاطبان و نتایج مترتب بر آن مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در تحلیل محتوا، پژوهشگران به دنبال شناخت اثر پیام بر روی مخاطبان و گیرنده آن و نیز شناخت اثر و نویسنده آن با تمرکز بر واژه‌های به کار رفته در متن می‌باشند. از دیگر کاربردهای آن، بررسی جنبه‌هایی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی است (طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۹۸-۹۹). تحلیل محتوا منحصر به مقوله



خاصی نیست، بلکه با توجه به متن محور پژوهش، سلیق و توانایی محقق، می‌توان از مقوله‌های مختلف استفاده کرد که عبارتند از: سبک‌شناسی متن، موضوع‌بندی مقوله‌ها، مقوله‌بندی ارزشی و مقوله از حیث ساختی. (ساروخانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۱)

**تحلیل محتوای کمی و تحلیل محتوای معنایی (معنایی):** داده‌های کیفی از روشهای گوناگونی جمع‌آوری می‌شوند که برخی از آنها عبارتند از: یادداشتهای میدانی، مصاحبه‌ها، اسناد پژوهشی، نامه‌ها، متون چاپی، سخنرانی‌های شخصیت‌های سیاسی، پرونده‌های دادرسی‌های قضایی و اشکال بسیار متنوع دیگر. رویکردی که بر پژوهش کیفی حاکم است، بیشتر جنبه اثبات‌گرایانه و تفسیری به خود می‌گیرد. از این رو، تحلیل داده‌ها با توجه به آن رویکرد انجام می‌گیرد (سید امامی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۱). یکی از اموری که در تحلیل محتوای کیفی باید مورد توجه قرار گیرد، تعیین چارچوب نظری برای تحلیل داده‌هاست. (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹)

تحلیل محتوا و نمادهای موجود در متن ممکن است کمی یا محتوایی باشد. نمادهای کمی را می‌توان به واسطه رایانه و نرم‌افزارهای خاص شناسایی کرد، ولی واحدهای معنایی را نمی‌توان به طور آشکار بیان و معرفی کرد که تم یا موضوع نامگذاری شده است. بنابر این، محقق باید کلمات خاص یا معنای کلمه را مورد ارزیابی قرار دهد (طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۹۸-۹۷). تفاوت‌های روش پژوهش کمی و کیفی، ابتدا از نوع داده‌هایی که در این دو گونه تحقیق به کار گرفته می‌شود، تمایز می‌یابد؛ زیرا داده‌های کمی بر آمار و ارقام استوار است؛ در حالی که داده‌های کیفی از این قاعده متابعت نمی‌کند. علاوه بر این، روشهای تحلیل کمی از منطق و ضوابط معین که مبتنی بر آمار و احتمالات است، پیروی می‌کند. در مقابل، در تحلیلهای کیفی محقق معمولاً به سادگی دست به نوآوری و ابداع می‌زند و از شیوه‌ای بهره می‌گیرد که در تحلیل داده‌های خود راحت‌تر سود جوید. هر چند این بدان معنا نیست که قواعد کلی بر فرایند تحقیق را نادیده بگیرند. (سید امامی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۲-۴۹۱)

**مزایا و معایب تحلیل محتوا:** تحلیل محتوا از لحاظ هزینه و به لحاظ زمانی، نسبت به انواع دیگر تحقیقات، بسیار مقرون به صرفه است. به همین دلیل، هر پژوهشگر به راحتی می‌تواند به تحلیل محتوای یک موضوع بپردازد. برای تحلیل محتوا به تجهیزات زیادی نیاز نیست. محقق در صورت دستیابی به منابع و اطلاعات می‌تواند به تحلیل آن بپردازد (رضوانی، ۱۳۸۹). از دیگر مزایای تحلیل محتوا این است که در صورت غفلت محقق در ایام انجام کار، به راحتی می‌توان بخش مورد غفلت قرار گرفته را بازنگری کرد (ساروخانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۰۷). فن تحلیل محتوا از این



جهت ارزشمند است که از طریق آن می‌توان به تحلیل محتوا و منابعی پرداخت که در زمانهای گذشته یا در فرهنگهای دیگر تولید شده‌اند؛ زیرا مطالعه این آثار به صورت مستقیم برای ما مقدور نیست و از طریق تحلیل محتوا می‌توان به پردازش اطلاعات در مورد آنها پرداخت. (رضوانی، ۱۳۸۹)

**مراحل تحلیل محتوا:** مراحل انجام تحلیل محتوا به ترتیب عبارتند از:

- تعیین اهداف و چارچوب نظری؛
- مطالعه با دقت موضوع و تعیین حدود و ثغور آن؛
- تعیین جامعه آماری و نمونه تحلیل؛
- مطالعه چندین باره نمونه‌های انتخاب شده؛
- تصحیح فرضها و فرضیه‌های مطرح شده و احتمالاً جایگزینی فرضیه‌های جدید؛
- آزمون فرضیه و نتیجه‌گیری.

توجه به این نکته ضروری است که مقوله‌هایی که تحلیل محتوا بر اساس آن انجام می‌گیرد، بایستی از ویژگی فراگیر، طرد مقابل و همگونی برخوردار باشند. این مقوله‌ها عبارتند از: مقوله‌های ساختی، مقوله‌های موضوعی، مقوله‌های ارزشی و... (همان)

## مفهوم، ابعاد، ضرورتها و الزامات جهاد اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب مفهوم جهاد و روحیه جهادی

مقام معظم رهبری در خصوص معنای جهاد می‌فرمایند: «جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱/۸). «هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد» (همو، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰). «جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. این جور تحرّکی اسمش جهاد است» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶). ایشان در تبیین معنای روحیه جهادی می‌فرمایند: «روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم- نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف- بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱)



در آموزه‌های اسلامی و از جمله در جهاد، تأکید اصلی بر نیت و باطن اعمال است؛ به نحوی که بسیاری از اوقات این تأکید بر مفهوم و واژه مورد نظر اضافه می‌شود؛ همانند جهاد فی سبیل‌الله. لذا رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «جهاد اسلامی، جهاد فی سبیل‌الله است. نیت اگر خدایی شد، جهاد انسان فی سبیل‌الله است. وقتی انسان برای اعلا‌ی کلمه حق، اعلا‌ی کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸).

### مفهوم جهاد اقتصادی

رهبر معظم انقلاب در خصوص معنای جهاد اقتصادی می‌فرماید: «جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶). با توجه به این مطلب، در خصوص سال جهاد اقتصادی می‌فرماید: «معنایش این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه اقتصاد است» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸).

«جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست... جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی...» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸). پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم» (همو، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

### مؤلفه‌های جهاد اقتصادی

با توجه به تعاریف ارائه شده از سوی رهبر معظم انقلاب در خصوص مفهوم جهاد، جهاد اقتصادی و روحیه جهادی، مؤلفه‌های جهاد اقتصادی عبارتند از:

- روحیه جهادی؛
- مقابله با دشمن؛
- فداکاری و ایثار؛
- استمرار و همه‌جانبگی؛
- بصیرت و هوشمندانه بودن؛
- اخلاص و نیت عمل لله؛
- محوریت مسائل اقتصادی.



## ضرورت‌های جهاد اقتصادی

ضرورت‌های و مسائلی که باعث شده‌اند تا رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۰ به مسائل اقتصادی و معیشتی توجه کنند، به شرح ذیل است:

**الف) اهمیت مسائل معیشتی مردم از نظر نظام اسلامی:** «پیشرفت اقتصادی، رونق اقتصادی ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزء اولین اهداف همه دولتهاست در همه جای دنیا و در همه دوران تاریخ؛ هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله معیشت مردم است که بتواند مردم را اداره کند. خوب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو می‌تواند وضع زندگی مردم را خوب کند» (همو، ۱۳۹۰/۱۶/۶)

**ب) مقابله با توطئه‌های دشمنان:** «جهاد اقتصادی متوجه یک نکته اساسی است در مسئله اداره کشور و مدیریت کشور و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است (همو، ۱۳۹۰/۲/۲۷). «سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریمها گر چه بهانه‌اش مسئله انرژی هسته‌ای است، اما دروغ می‌گویند؛ عامل طرح مسئله تحریمها، انرژی هسته‌ای نیست... هدف تحریمها، فلج کردن اقتصادی است» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶). لذا «به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه اقتصاد، که منتهی بشود به فلج پایه‌های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی دشمن است» (همو، ۱۳۹۰/۳/۸). «همین تحریمهایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده بازدارند» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱). «بایستی در مقابل تحریمها مجهز بود. جبهه مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی می‌خواهد» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶)

**ج) سومین سال دهه پیشرفت و عدالت:** «توجه دارید که ما الان در این ساعت داریم وارد سومین سال دهه پیشرفت و عدالت می‌شویم... حرکت ما باید به نحوی باشد که بتوانیم این دهه را به معنای حقیقی کلمه مظهر پیشرفت و مظهر استقرار عدالت در کشورمان قرار بدهیم». لذا بایستی «در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱)



**د) تحقق اهداف چشم‌انداز:** «یک مسئله دیگر، مسئله رسیدن به چشم‌انداز است. این چشم‌انداز هدف‌گذاری شده است، یک سند بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم. بدون جهاد اقتصادی، به چشم‌انداز نخواهیم رسید. در چشم‌انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده» (همو، ۱۳۹۰/۶/۶). «باید به این رتبه برسیم. این رتبه اول بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوییم اول بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملتها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تطاول قرار خواهد گرفت» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

**ه) توجه به مسائل اساسی کشور:** «در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند می‌شود، یک مسئله حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهنها متوجه آن می‌شود... ما بایستی توجه کنیم به اساسی‌ترین مسائل کشور، و محور همه اینها به نظر من مسائل اقتصادی است... به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله اقتصادی از همه مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱). «ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است» (همو، ۱۳۹۰/۶/۶).

## الزامات و نیازمندی‌های جهاد اقتصادی

**الف) روحیه معنویت و تدین جوانان:** «اگر یک ملت جوانانش متدین باشند... از چیزهایی که جوان را زمین‌گیر می‌کند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت می‌کند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱).

**ب) اتحاد و انسجام ملی:** «یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد... بایستی باقی بماند و روزبه‌روز تقویت شود... مسئولین کشور سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند... این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه به اتحاد ملی است؛ این را همه توجه داشته باشند» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱). «باید مسابقه در خدمت و





مسابقه در کار و تلاش، به جای مسابقه در تخریب، سوءظن، هتاک و یأس آفرینی وجود داشته باشد... این ملت بزرگ و شجاع و مؤمن و با قابلیت، وقتی می‌تواند به هدفهای والای خود دسترسی پیدا کند که به‌جای تزریق یأس و نومیدی، امید و آفاق روشن را در مقابل چشم نسل جوان این کشور بگشاید و به‌جای ایجاد سوءظن و بدبینی، روح برادری، وحدت، یگانگی و همدلی در میان مسئولان و از قبل مسئولان، در میان مردم توسعه پیدا کند» (همو، ۱۳۸۴/۱/۱). «اینها همه اجزایی است از مجموعه یک جهاد عظیم و همه‌جانبه اقتصادی. با همکاری، همدلی، احساس برادری، احساس عمل لله و کار برای خدا، این ملت می‌تواند جایگاه شایسته خود را پیدا کند» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸).

**ج) تکیه به نیروی درونی و ذاتی و اعتماد به نفس ملی:** «...احساس توانایی در یک ملت، بزرگ‌ترین سرمایه معنوی و روحی برای آن ملت است و ملت ما این احساس را دارد؛ شواهدش هم در همه بخشها دارد مشاهده می‌شود... آنچه که ما به مسئولین محترم بخشهای گوناگون توصیه می‌کنیم، این است که همین خط مستقیم تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنا از دیگران را با جدیت تمام دنبال کنند» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸).

**د) نیروی انسانی توانمند و با ایمان:** گاز ثروت است، نفت ثروت است؛ اما از این ثروتها خیلی مهم‌تر، نیروی انسانی با استعداد و علاقه‌مند و دارای توان کار است. ما این ثروت را داریم؛ اصل این است. اگر یک ملتی این نیروی انسانی را داشت، می‌تواند ثروتهای طبیعی خودش را هم استحصال کند و در خدمت ملت قرار دهد» (همو، ۱۳۹۰/۱/۸). «دل‌های خوب، ایمانهای خوب، همت‌های خوب، دست‌های توانای خوب، چشم‌های بینای خوب در کشور فراوان است. این کشور شانس خیلی بالاتر از این است که به عنوان یک کشور درجه دوم در دنیا محسوب شود. این کشور باید در سطح بالای کشورها و ملتها قرار داشته باشد... سابقه تاریخی ما، میراث فرهنگی ما، توانایی‌های مردمی ما، ظرفیتهای طبیعی ما، همه به ما این را املا و دیکته می‌کنند» (همو، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

**ه) افزایش آگاهی و توانمندی مردم:** «مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند» (همو، ۱۳۹۰/۱/۱).

## نتایج جهاد اقتصادی

از منظر رهبر انقلاب، نتایج و دستاوردهای تحقق شعار جهاد اقتصادی عبارتند از: پیشرفت و عزت کشور، نشان دادن قدرت نظام اسلامی در حل مشکلات اقتصادی و الگو شدن به عنوان کشور پیشرفته اسلامی. لذا در این خصوص می‌فرمایند: «اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند». (همو، ۱۳۹۰/۱/۱)

## دهه پیشرفت و عدالت از منظر مقام معظم رهبری

### تعریف، ابعاد، شاخص و مؤلفه‌های پیشرفت

#### الف) تعریف پیشرفت

«ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود... ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را دارد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نبایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست». (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)

«مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما پیشرفت را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست» (همو، ۱۳۸۹/۹/۱۰). «مقصود، پیشرفت همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی... آن خوشبختی‌ای که ما برای جامعه اسلامی، برخورداری‌ای که برای جامعه اسلامی قائلیم، فقط این نیست که شما اینجا نگاه می‌کنید؛ بلکه برخورداری مادی و معنوی؛ یعنی فقر نباید باشد، عدالت باید باشد، تقوا و اخلاق و معنویت و پرهیزگاری هم باید باشد. این، آن هدفی است که باید دنبال او برویم». (همو، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷)

«پیشرفت که برای انسان و به وسیله انسان است، در منطق و فلسفه غرب معنای دیگری پیدا می‌کند تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هر چه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق



غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد؛ یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند، ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است» (همو، ۸۶/۲۱۲۵). «پیشرفتی که در خدمت طبقه سرمایه‌دارها باشد، پسرفت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست» (همو، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

### ب) ابعاد پیشرفت

رهبر معظم انقلاب در تبیین ابعاد پیشرفت، ضمن تأکید بر همه‌جانبه بودن پیشرفت از نظر نظام اسلامی می‌فرماید: «پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور- هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم- پیشرفت در ارتقای بهره‌وری؛ همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی، پیشرفت در وحدت و انسجام ملی، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در رشد سیاسی، پیشرفت در مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی، در همه این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود» (همو، ۱۳۸۸/۱/۱). «کشور ما از لحاظ مادی باید در آن علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم، در زمینه اقتصاد و بقیه موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفد. همه انسانها بتوانند در آن با توان خدادادی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند» (همو، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

### ج) شاخص پیشرفت اسلامی

شهید مطهری در بحث از شناخت مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف بر این نکته تأکید دارند که بهترین و جامع‌ترین راه شناخت هر مکتب، شناخت انسان‌شناسی آن مکتب و نحوه نگاه به انسان است. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب در خصوص شاخصه اصلی پیشرفت اسلامی و معیار تمییز آن از پیشرفتهای دیگر می‌فرماید:



«اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت. این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. کشور ما و جامعه اسلامی آن، وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول‌عنه واقع بشود به توهم دنبال‌گیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول‌عنه واقع بشود به خاطر دنبال‌گیری از دنیا... تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت- هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره کشور- لازم است. این یک شاخص عمده پیشرفت است.» (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)

#### د) عرصه‌های پیشرفت

پیشرفت مد نظر رهبر معظم انقلاب، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت را شامل می‌شود:

«در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم.

عرصه دوم- که اهمیتش کمتر از عرصه اول است- عرصه علم است. همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان عرصه زندگی می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت؛ اینها همه زمینه‌های پیشرفت است که باید به اینها پرداخته شود. عرصه چهارم که از همه اینها مهم‌تر است و روح همه اینهاست- پیشرفت در عرصه معنویت است.» (همو، ۸۹/۹/۱۰)

#### تعریف، ابعاد، شاخص و مؤلفه‌های عدالت

مقام معظم رهبری، عدالت را به معنای فرصت برابر استفاده از امکانات و امکان پیشرفت و بروز استعدادها دانسته، می‌فرماید: «عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم؛ عدالت به معنای تقسیم درست فرصتها میان مردم است» (همو، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). به همین جهت، «به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره‌دهی از مرکز دور است، در یک نقطه دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار



باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همهٔ آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. این جور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند» (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

در خصوص معنای عدالت دو نظر متضاد و البته غلط وجود دارد. نظر اول که طرفداران نظامهای لیبرال بیان می‌کنند، این است که عدالت، توزیع فقر است. رهبر معظم انقلاب در این معنا می‌فرماید: «بعضی‌ها می‌گویند عدالت؛ یعنی توزیع فقر. نخیر! کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست، بلکه توزیع عادلانهٔ امکانات موجود است» (همو، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). دسته‌ای دیگر که مارکسیست‌ها و طرفداران آنها می‌باشند، معتقدند که عدالت به معنای برابری در برخورداری و استفادهٔ افراد مختلف بدون توجه به تلاش یا شایستگی آنان است. لذا مقام معظم رهبری با رد این معنا نیز می‌فرماید: «عدالت به معنای یکسان بودن همهٔ برخورداری‌ها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند» (همو، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)

ایشان در خصوص مبارزه با متجاوزان به حقوق مردم، از جمله ستمگران و مفسدان، می‌فرماید: «یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود» (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱). ضمن اینکه: «باید سرپنجهٔ عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند» (همو، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)

### دههٔ پیشرفت و عدالت از منظر رهبری

در سه دههٔ اول انقلاب اسلامی ایران شاهد «توطئه‌های گوناگون، از مودی‌گری‌ها و توطئه‌های براندازی و کودتا که در سالهای اول دههٔ اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه‌های به اصطلاح نرم از بعد از دههٔ اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز» (همو، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴) بودیم. حال در دههٔ چهارم انقلاب و با فراهم آمدن بسترها و ظرفیتهایی، انقلاب اسلامی در مرحله‌ای قرار گرفته است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، می‌تواند یک جهش و گام بلند به سمت اهداف و آرمانهای والای خود داشته باشد.

## الف) تعریف دهه پیشرفت و عدالت

رهبر معظم انقلاب در خصوص دهه چهارم انقلاب می‌فرماید: «این دهه را ۱۰ سال پیشرفت و عدالت کشور و نظام جمهوری اسلامی نامیدیم؛ در حالی که از آغاز انقلاب، ملت ایران با حرکت عظیم خود و با ایجاد و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به سمت پیشرفت و عدالت حرکت کرده است. ۱۰ سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌ایم؟ به نظر ما تمایز ۱۰ سال آینده با سه دهه گذشته، در آمادگی‌های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی‌ها به ملت بزرگ و مصمم ما اجازه می‌دهد که در این زمینه یک جهش و یک گام بلند نشان بدهد... عنصر دیگر، زیرساختهای کشور است. امروز کشور ما مثل دهه اول یا دهه دوم انقلاب نیست که زیرساختهای علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوانهای ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته‌ای که وارد می‌شوند، می‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه ارتباطات، در زمینه مواصلات، در زمینه تحقیقات علمی، در زمینه ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راههای مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بی‌سیم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم... علاوه بر اینها، تجربه مدیران، یک تجربه بسیار عمیق و وسیعی است. کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه‌ای است که می‌تواند برای پیشرفت آن برنامه‌ریزی کنند». (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

بنابر این، اکنون و در دهه چهارم انقلاب اسلامی، «گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی، و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصتها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهای بی‌شمار پراکنده در میان ملت معطوف کند و ظرفیتهای تولید و خلاقیت و درخشش توانایی‌های گوناگون در همه زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند و عنصر عدالت باید ناب‌خورداران از فرصتها و توانایی‌های کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد». (همو، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷)

رهبر معظم انقلاب در خصوص وضعیت شعار پیشرفت و عدالت از اول انقلاب تا دهه چهارم و نیز ضرورت روشن شدن ارتباط این دو مفهوم می‌فرماید: «این دو شعار، شعار دهه آینده است: پیشرفت، عدالت. نه اینکه تا حالا پیشرفت نکرده‌ایم، نه اینکه تا حالا به کلی به عدالت بی‌اعتنایی شده باشد؛ نه، ما می‌خواهیم در این



دهه یک پیشرفت جهشی همه‌جانبه و یک عدالت‌گستری وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد» (همو، ۱۳۸۷/۰۲/۰۶). «لذا امروز، به خصوص باید توجه به عدالت زیاد باشد؛ به خصوص رابطه پیشرفت و عدالت مشخص شود» (همو، ۱۳۹۰/۰۲/۱۹)

### ب) اهداف دهه پیشرفت و عدالت

**رشد و تعالی و آسایش انسان:** «پیشرفت کشور و تحوّل که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است» (همو، ۱۳۸۶/۲/۲۵). «تمدّن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر» (همو، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)

### ج) نتایج تحقق شعار پیشرفت و عدالت

**الگو شدن برای سایرین:** «بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد» (همو، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲)

**تأمین امنیت کامل:** «وقتی یک ملت قوی شد، اعتلای مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد؛ یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمی‌کنند. اگر ملت ما می‌خواهد به امنیت کامل برسد، اگر می‌خواهد دشمنان دیگر جرئت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود» (همو، ۸۷/۳/۱۴). «دهه چهارم این انقلاب دهه عدالت و پیشرفت توأمان باشد؛ یعنی پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور. برنامه‌ها را باید این‌جور تنظیم کرد و این، ملت و کشور ما را آسیب‌ناپذیر می‌کند» (همو، ۱۳۸۷/۰۶/۳۰)

### الزامات تحقق پیشرفت و عدالت

الزامات و نیازمندی‌های تحقق پیشرفت و عدالت از منظر مقام معظم رهبری را می‌توان در سه دسته ارائه کرد: دسته اول، الزامات تحقق عدالت؛ دسته دوم، الزامات تحقق پیشرفت؛ دسته سوم، الزامات عمومی تحقق اهداف پیشرفت و عدالت. البته «این، کار و تلاش لازم دارد؛ این، مردان مؤمن و فداکار و شجاع لازم دارد؛ این، پیوند روزبه‌روز افزایش‌دهنده میان ملت و دولت را لازم دارد» (همو، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)



## الف) الزامات تحقق عدالت

توجه به این نکته لازم است که استقرار عدالت و به تبع آن فراهم شدن زمینه‌ها و الزامات تحقق عدالت، از مشکل‌ترین کارهاست. «از حفظ مردم‌سالاری و بقیه کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمی‌گوییم هم که ما تا امروز توانستیم به طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است با آنچه که امروز در جامعه ماست، فاصله زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز شدیدتر شده است.» (همو، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

نکاتی که مقام معظم رهبری در خصوص الزامات تحقق عدالت بیان می‌فرمایند، برگرفته از اندیشه و جایگاهی است که عدالت در نظام اسلامی و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) دارد. لذا در این خصوص می‌فرمایند: «عدالت و عدل، مهم‌ترین ارزش در جامعه است: «بالعدل قامت السموات والارض»؛ آسمان و زمین به عدالت وابسته است. نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست» (همو، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷). «در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود- به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان الله علیه)، در گفتمانهای موضعی و در زمانهای مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود... آن چیزی که ما دنبال هستیم، عدالت حداکثری است، نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم» (همو، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). با توجه به این جایگاه، ایشان الزامات تحقق عدالت را در موارد ذیل برمی‌شمارند:

**همراهی عدالت با معنویت و عقلانیت:** «بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند... اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد. بنابر این، معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است.» (همو، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲)

«عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت، مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است. بعضی‌ها اهل معنا نیستند،



اما هیچ نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد: "من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم" (همو، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

«عدالت؛ یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم - نه عادلانه بی حساب و کتاب - و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه اینکه به قشر خاص و به دسته خاصی بیشتر برسد... اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخشهای مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند» (همو، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

**اعتقاد به مبدء و معاد:** «در مسئله عدالت، اعتقاد به مبدء و معاد یک نقش اساسی دارد؛ ما از این نباید غفلت کنیم. نمی‌توان توقع داشت که در جامعه، عدالت به معنای حقیقی کلمه استقرار پیدا کند، در حالی که اعتقاد به مبدء و معاد نباشد. هر جا اعتقاد به مبدء و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود... نقطه مقابلش هم همین است. این اعتقاد، به انسان نشاط می‌دهد، نیرو می‌دهد. انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه ظالمانه، در عرصه تجسم اعمال در قیامت، چه بلایی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک می‌شود» (همو، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷)

**مطالبه عدالت توسط دانشجویان و جوانان:** «مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیطهای جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند» (همو، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰)

**انجام کارهای نظری:** «یکی از مهم‌ترین کارها در عرصه نظری این است که ما عدالت‌پژوهی را در حوزه و دانشگاه به عنوان یک رشته تعریف‌شده علمی بشناسیم، که این امروز وجود ندارد؛ نه در حوزه وجود دارد، نه در دانشگاه» (همو، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷)

### ب) الزامات تحقق پیشرفت

**مبارزه و داشتن روحیه جهادی:** رهبر معظم انقلاب در خصوص روحیه جهادی و ضرورت آن می‌فرمایند: «خدای متعال نعمتهای معنوی را هم مثل نعمتهای مادی، آسان و ارزان نمی‌دهد و اگر بدهد، آن را آسان و ارزان برای ما حفظ نمی‌کند. همچنان که همه دستاوردهای بشر به تبع تلاش و پیگیری است، حفظ آنها هم به تبع تلاش و مجاهدت و فداکاری است. اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی یا سیادت سیاسی و اقتصادی پیدا



کرده‌اند، ثروتمند شده‌اند و عزّتی پیدا کرده‌اند، هر چه هست، تابع تلاش است... هر کس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خدا به او کمک می‌کند. تلاش، معیار و میزان برای به دست آوردن دستاوردهاست» (همو، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱)

اشاره شد که در مفهوم جهاد، تلاش و کوشش در حد نهایت و طاقت وجود دارد؛ لذا «بدون جهاد، هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید؛ نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، در مقابل گرگ بی‌دست و پای بیابان هم نمی‌شود ایستاد؛ چه رسد به گرگهای بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه‌های خونینی که میلیونها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند! مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند طعم عزّت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند؟» (همو، ۱۳۷۷/۰۷/۲۶). بنا بر این، «اگر می‌خواهید پیشرفت کنید، باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدان‌های بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی، پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست» (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)

**تعیین الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی:** «پیشرفت برای همهٔ کشورها و همهٔ جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون- شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی- در ایجاد مدل‌های پیشرفت اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد... مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیر عادلانه.» (همان)

**عزّت و اعتماد به نفس ملی:** «راه این ملت بزرگ ما که پروردهٔ بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلا و پیشرفت، عبارت است از اینکه این عزّت ملی را در همهٔ عرصه‌ها حفظ کند» (همو، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴). «در همان روزهای اول جنگ تحمیلی که عده‌ای آیهٔ یأس و ناامیدی می‌خواندند، امام بزرگوار (ره) که متصل به منبع عظیم نور الهی بود، با قدرت ایستاد و گفت **می‌توانیم** و در



نهایت نیز توانستیم. امروز هم که ملت ایران بر خلاف دوران جنگ تحمیلی، صاحب پیشرفتهای بزرگ و منابع عظیم انسانی است، ادامه مسیر پیشرفت فقط با چنین روحیه‌ای امکان‌پذیر است» (همو، ۱۳۹۰/۰۵/۰۱). بنابر این، «یکی از این مقدمات، همین خودآگاهی ماست که احساس کنیم که باید و احساس کنیم که می‌توانیم» (همو، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

**تولید علم و نهضت نرم‌افزاری:** «از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است» (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). یکی دیگر از مقدمات، تهیه نقشه علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد» (همو، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴). «باید دقت کرد، باید تعقیب کرد، باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاهها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدل‌سازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ۱۰ سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند» (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

**حفظ استقلال کشور:** «هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد؛ این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است؛ یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و عدالت است» (همان).

**فراگرفتن خلیقات نیکو از سایر ملتها:** «ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزء خلیقات و خصال خوب اروپایی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم» (همان).

### ج) الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت

**حفظ روح و سیرت انقلاب:** «امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه خود تأکید می‌کند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح



پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد» (همو، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴). «عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است... اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند اسلامی به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد... ما باید خودمان مراقب باشیم که از درون پوک نشویم؛ از درون پوسیده نشویم. از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمی‌زند؛ نمی‌تواند آسیب بزند» (همو، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

**پایبندی به مکتب امام خمینی (ره) و پیروی از آن:** «ملتها تصوّر می‌کردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غرب‌زده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غرب‌زده هم نشود؛ اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند. ملت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هر چه می‌توانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود می‌توانید همه موانع را از سر راه بردارید» (همو، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴). «ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزّت و پیشرفت و عدالت می‌رساند» (همان).

**ایجاد گفتمان عدالت و پیشرفت در جامعه:** «اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همتها و عزمها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله پیشرفت و عدالت، در دهه چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود» (همو، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). «با بحث نظری و تعریف شفاف و ضابطه‌مند از پیشرفت، قصد داریم یک باور همگانی در درجه اول در بین نخبگان، بعد در همه مردم به وجود بیاید که بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخشهای گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند» (همو، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).



**وجود مدیران معتقد به عدالت و پیشرفت:** «کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه پیشرفت، چه در زمینه عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً می‌توانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند». (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

**تدبیر و برنامه‌ریزی:** «نگاه دین، نگاه اسلام، نگاه قرآنی به انسان این است که انسان باید تلاش کند؛ تلاش با نظم، با برنامه‌ریزی و بی‌وقفه تا بتواند به نتایج برسد» (همو، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷). «البته با حرف نمی‌شود، با الفاظ نمی‌توان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد». (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

**وجود امنیت:** «اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه رشته‌های یک مملکت به تدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است». (همو، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶)

**پایداری بر حرف و موضع حق:** «اینکه یک ملتی پای حرف خود بایستد، این همان چیزی است که کلید اصلی پیشرفت ملت‌ها محسوب می‌شود؛... باطل السحر حرکت دشمنان همین است که یک ملتی حرف حقی را انتخاب کند، پای آن حرف بایستد». (همو، ۱۳۹۰/۰۲/۰۳)

**اصلاح الگوی مصرف:** «یک اقدام اساسی در زمینه همین پیشرفت و عدالت، مسئله مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تزییع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله مهمی است... صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف، اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است... اسراف، هم لطمه اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد». (همو، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)





**نیروی انسانی توانمند و معتقد:** «دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است و جوان مؤمن، که مبانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقاً پذیرفته است، امیدبخش‌ترین نیرویی است که می‌تواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند. نقشه راه برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه چهارم را فقط با اذعان به این حقیقت می‌توان ترسیم کرد» (همو، ۱۳۸۷/۰۶/۰۴).

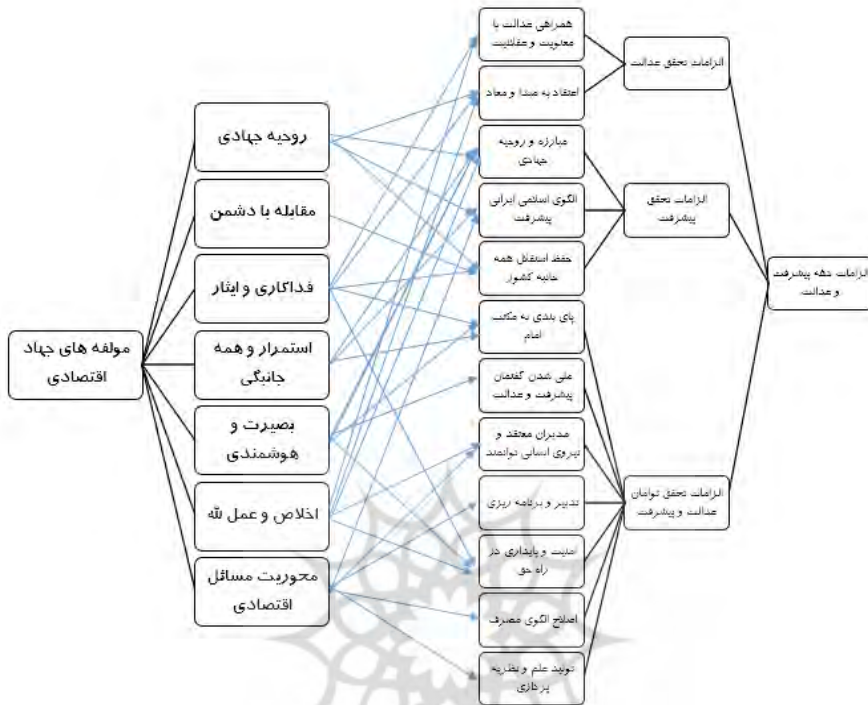
«من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینه اهمیت ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور (پیشرفت) و همچنین کاهش فاصله درآمدی دهکهای بالا و پایین جامعه (عدالت) چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد» (همو، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱).

### رابطه جهاد اقتصادی و دهه پیشرفت و عدالت (الگوی مفهومی)

در شکل ذیل، الگوی مفهومی برگرفته از این مقاله ارائه شده است. در سمت راست شکل، الزامات تحقق شعار دهه چهارم انقلاب؛ یعنی پیشرفت و عدالت، در سه دسته الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت، آمده است. در سمت چپ نیز مؤلفه‌های جهاد اقتصادی ذکر شده که عبارتند از: روحیه جهادی، مقابله با دشمن، فداکاری و ایثار، استمرار و همه‌جانگی، بصیرت و هوشمندی، اخلاص و عمل لله و بالاخره اولویت مسائل اقتصادی.

همان گونه که در شکل نشان داده شده است، مؤلفه‌های جهاد اقتصادی با الزامات تحقق شعار دهه چهارم؛ یعنی پیشرفت و عدالت (الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت) ارتباط تنگاتنگی دارند و جهت پیکانهای نشان داده شده نیز از مؤلفه‌های جهاد اقتصادی به سمت الزامات دهه پیشرفت و عدالت است که به معنای مقدمه بودن مؤلفه‌های جهاد اقتصادی برای دهه پیشرفت و عدالت است. در مجموع می‌توان گفت که جهاد اقتصادی به عنوان یکی از الزامات اصلی و مهم دهه پیشرفت و عدالت مطرح است و شاید بتوان گفت یکی از اهداف رهبر معظم انقلاب از نامگذاری یکی از سالهای دهه چهارم (سال سوم) به عنوان جهاد اقتصادی، همین مطلب باشد. ضمن اینکه ایشان در بیانات خود به این مطلب به عنوان یکی از ضرورت‌های جهاد اقتصادی اشاره کرده بودند.





## جمع بندی

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۰ را که سومین سال از دههٔ چهارم انقلاب است، سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کردند. دهه‌ای که شعار محوری آن، پیشرفت و عدالت، به عنوان رویکرد و گفتمان اصلی کشور در این دهه خواهد بود تا در سایه توجه به آن، تمامی نیروها و امکانات کشور در راستای رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه و عدالت فراگیر، مجتمع و متمرکز شوند. ایشان سال اول دههٔ چهارم را به عنوان «اصلاح الگوی مصرف»، سال دوم را به نام «همت مضاعف و کار مضاعف» و حال سال سوم را به عنوان سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کردند. هر سه سال رویکرد اقتصادی داشته و بیانگر این مطلب می‌باشند که ایشان، مهم‌ترین و اصلی‌ترین حوزه و به تعبیر بهتر؛ حوزهٔ دارای اولویت در سالهای اخیر از دههٔ پیشرفت و عدالت را حوزهٔ اقتصادی می‌دانند.

در سال جهاد اقتصادی، حضور جهادگونه و داشتن روحیهٔ جهادی در عرصهٔ فعالیتهای اقتصادی، وظیفهٔ تمامی مسئولان و مردم است. لذا به نظر می‌رسد تبیین رابطهٔ شعار جهاد اقتصادی و دههٔ پیشرفت و عدالت بتواند در راستای توضیح



بخشی از اهمیت و ضرورت این نامگذاری و اصلاح رویکردها به سمت پیشرفت و عدالت توأمان مؤثر باشد. بدین منظور، این مقاله با بیان مؤلفه‌های جهاد اقتصادی و الزامات تحقق پیشرفت و عدالت در سه دسته الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت، به بررسی و تبیین رابطه این دو از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته است؛ زیرا هر دو رویکرد و شعار از سوی ایشان تعیین و ابلاغ شده است. از آنجا که هر دو شعار از سوی مقام معظم رهبری تعیین و ابلاغ شده است؛ بنابراین، بهترین منبع داده‌های مورد نیاز بررسی رابطه مذکور، تبیین نقطه‌نظرات ایشان است.

با توجه به اینکه سال جهاد اقتصادی یکی از سالهای دهه پیشرفت و عدالت است و نیز عنایت به تناسب و تعادل در سیاستگذاری‌ها و اتخاذ رویکردهای کلان از سوی مقام معظم رهبری، که خاص شخصیت و منش مدیریتی ایشان است، این فرضیه مطرح شد که جهاد اقتصادی یکی از نیازمندی‌ها و الزامات دهه پیشرفت و عدالت است.

برای آزمون این فرضیه، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، که از روشهای تحقیق کیفی و متن‌محور است، بیانات مقام معظم رهبری با توجه به فرضیه مذکور مورد تحلیل و دسته‌بندی موضوعی و محتوایی قرار گرفت. در گام اول با تحلیل محتوای سخنان ایشان در خصوص جهاد اقتصادی، مفهوم، مؤلفه‌ها و ابعاد آن مشخص شد. در گام بعدی ضمن تحلیل محتوای بیانات ایشان در خصوص دهه پیشرفت و عدالت و نیز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، علاوه بر مفهوم، ضرورت، ابعاد و نتایج این شعار، الزامات تحقق پیشرفت و عدالت در دهه چهارم انقلاب، در سه دسته الزامات تحقق عدالت، الزامات تحقق پیشرفت و الزامات تحقق توأمان پیشرفت و عدالت استخراج و در نهایت، رابطه مؤلفه‌های جهاد اقتصادی و الزامات شعار دهه چهارم انقلاب به صورت نموداری و در قالب الگوی مفهومی ارائه شد.

بر اساس الگوی ارائه شده، مؤلفه‌های جهاد اقتصادی با الزامات تحقق شعار دهه چهارم؛ یعنی پیشرفت و عدالت، ارتباط تنگاتنگی داشته و جهت پیکانه‌های نشان داده شده نیز از مؤلفه‌های جهاد اقتصادی به سمت الزامات دهه پیشرفت و عدالت است که به معنای مقدمه بودن مؤلفه‌های جهاد اقتصادی برای دهه پیشرفت و عدالت است. نتیجه اینکه، جهاد اقتصادی به عنوان یکی از الزامات اصلی و مهم دهه پیشرفت و عدالت مطرح است و می‌توان گفت یکی از اهداف رهبر معظم انقلاب از نامگذاری یکی از سالهای دهه چهارم (سال سوم) به عنوان جهاد اقتصادی،



پیگیری تحقق پیشرفت و عدالت از مجرای شعار جهاد اقتصادی است. هر چند شرایط داخلی، از جمله: برنامه‌ها و سیاستهای کلان اقتصادی همانند اصل ۴۴، سند چشم‌انداز، طرح تحوّل اقتصادی و... و نیز شرایط بین‌المللی از جمله فشارها و تحریمهای اقتصادی دشمنان در انتخاب عنوان جهاد اقتصادی برای سال ۹۰ تأثیر مهمی داشته‌اند.

با توجه به نتیجه این مقاله و با توجه به برخی از مؤلفه‌های جهاد اقتصادی، همچون استمرار و همه‌جانبگی آن، می‌توان تمامی سالهای دهه چهارم را سالهای جهاد اقتصادی دانست. لذا در این سالها بایستی روحیه جهادی و تلاش جهادگونه به عنوان یکی از رویکردهای مسئولان و مردم در عرصه‌های مختلف، به خصوص عرصه اقتصادی باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی تا)، «غررالحکم و دررالکلم»، ترجمه محمد علی انصاری، دارلکتاب قم.
۴. آمانیامن، کمار (۱۳۸۱)، «توسعه به مثابه آزادی»، ترجمه حسین راغفر، کویر، تهران.
۵. جهانیان، ناصر (۱۳۷۷)؛ «تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین»، نشریه قبسات، (بهار).
۶. جوادی آملی.
۷. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۷)؛ الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۸. خاکبان، سلیمان (۱۳۷۵)؛ درآمدی بر اسلام و توسعه و ایران، تهران، حضور.
۹. خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۶۶)؛ شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. رایف، دانیل؛ استفن لیبی و فردریک جی. فیکو (۱۳۸۵)؛ تحلیل پیامهای رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران، سروش، چ دوم.
۱۱. رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۹)؛ «تحلیل محتوا»، مجله پژوهش، سال دوم، ش ۱ (بهار و تابستان).
۱۲. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۲)؛ تکنیکهای خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشار.
۱۳. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ «رابطه دین و توسعه»، نشریه قبسات، (بهار).
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)؛ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)؛ پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)، تهران، دانشگاه امام صادق.
۱۶. شیخ طوسی (۱۴۱۷ق)؛ «تهذیب الاحکام»، تصحیح و تعلیق از علی اکبر غفاری، مکتبه صدوق، تهران، ج ۷، چ اول.
۱۷. طالقانی، محمود (۱۳۸۱)؛ روش تحقیق نظری، قم، دانشگاه پیام نور، چ ششم.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ پنجم.



۱۹. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ ق)؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه.
۲۰. عظیمی، حسین (۱۳۷۱)؛ مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نی.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲)؛ کافی، ترجمه جواد مصطفوی و هاشم رسولی، قم، علمیه اسلامیة.
۲۲. متوسلی، محمود (۱۳۸۲)؛ توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری - رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران، سمت.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۱)؛ بحار الانوار، ترجمه علی دوانی، تهران، اسلامیة.
۴۲. مصباح یزدی.
۲۵. مطهری، مرتضی (بی تا)؛ اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، تهران، صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)؛ بیست گفتار، تهران، صدرا، چ هفتم.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)؛ سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، چ دوازدهم.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)؛ عدل الهی، تهران، صدرا، چ دوم.
۲۹. میر، جرالده و سیرز (۱۳۷۶)؛ پیشگامان توسعه، ترجمه علی اصغر هدایتی و همکاران، تهران، سمت.
۳۰. میر، جرالده (۱۳۷۵)؛ از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نی.

31. IDRC (The International Development Research Centre: A Canadian Crown Corporation) (2010). **2. Definitions and Concepts:** [http://www.idrc.ca/en/ev-114151-201-1-DO\\_TOPIC.html](http://www.idrc.ca/en/ev-114151-201-1-DO_TOPIC.html).
32. Meier, Gerald M. (1995). **Leading Issues in Economic Development**, Oxford University Press.
33. Williamson, Oliver E. (2000). **“The Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead»**, *Journal of Economic Literature*, No.3, Sep, P.595-613.